

# جایگاه یهود و ریشه‌های صهیونیسم در قرآن

علیرضا معاف

یکی از سؤالاتی که احتمالاً به ذهن علاقه‌مندان قرآن کریم آمده این است که علت کثرت اشاره خدای تبارک و تعالی به جریان‌ات بنی اسرائیل و حضرت موسی (ع) چیست؟ شاید برای عده‌ای سؤال باشد که چرا در قرآن به آداب و اوصاف و اعمال و سرگذشت یهود و بنی اسرائیل بیش از دیگر اقوام و امتهای پرداخته شده است؟ چرا خداوند متعال برای هدایت و عبرت آدمیان، بیش از همه، بر اوصاف و شیوه‌های رفتاری یهود و بنی اسرائیل دست گذاشته و از آنها مثال آورده است و تذکر داده است و اساساً علت و منشا این اعمال و رفتار از سوی بنی اسرائیل چه بوده است؟ آیا ریشه‌ها و علل بروز مصائب رفتاری صهیونیست‌ها مسئله یهود در دنیای امروز در قرآن کریم قابل جست‌وجوست؟



پیش از بررسی پاسخ سؤالات فوق و نیز به تصویر کشیدن اعمال و رفتاری که قرآن از یهودیان بیان می‌کند و ارتباط این رفتارها با عملکرد یهود در دنیای امروز، نگاهی کمی به بحث یهود در قرآن داریم.

در شأن نزول آیات قرآن در رتبه‌بندی مخالفان رسول اکرم (ص)، یهودیان از نظر تعداد، مقام دوم را پس از مشرکین دارند و ۱۵۷ آیه در ارتباط مستقیم با یهود نازل شده است. نام حضرت موسی (ع) در ۱۶۶ جای قرآن و بیش از دیگر انبیای الهی ذکر شده و در ۲۶ سوره قرآن به اجمال یا تفصیل به گوشه‌ای از داستانهای آن حضرت (ع) اشاره شده است و همچنین ۴۲۰ آیه درباره حضرت موسی (ع) و ۴۸۰ آیه درباره انبیاء بنی اسرائیل و رفتار این قوم با این پیامبران است و همچنین مصائب و گرفتاریهایی که آنان از دست قومشان می‌کشیدند. حدود ۲۱۰ آیه درباره مسائلی چون امتهای گذشته و اهل کتاب و ربا و قتل انبیا و اصحاب اخذود و از این قبیل است که اغلب، مربوط به یهود است. ضمن آنکه آیات مربوط به استهزاء و تکذیب و تفرقه و تحریف و حسارت و جفا به پیامبران هم در بسیاری موارد به نوعی مربوط به یهود می‌شود. قرآن کریم تعبیر تند و عتاب‌آمیز و خطابه‌های خشم‌آلودی با یهود دارد که به آنها و علل آنها خواهیم پرداخت.

سابقه دین یهود به ۲۵۰۰ سال قبل باز می‌گردد. این قوم به دلیل نسبت با حضرت یعقوب (ع) «بنی اسرائیل» نامیده شده‌اند زیرا اسرائیل لقب حضرت یعقوب (ع) بوده است و از آن جهت به آنان یهودی می‌گویند که مستحب به یهودا فرزند حضرت یعقوب (ع) هستند. کتاب آسمانی آنان تورات می‌باشد که در اصل یک واژه عبری به معنای شریعت و قانون است. پس از نزول کتابی از طرف خداوند بر حضرت موسی (ع) این کتاب به این نام خوانده شد.

گاهی نیز به مجموع کتابهای «عهد عتیق» و گاهی به «سفر پنج‌گانه» آن نیز گفته می‌شود. مجموعه کتابهای یهود که عهد عتیق نامیده شده، مرکب از تورات و چند کتاب دیگر است. تورات که دارای پنج بخش است به شرح پیدایش جهان و انسان و مخنوقات دیگر و بخشی از زندگی انبیای پیشین و حضرت موسی (ع) و بنی اسرائیل و احکام این آیین می‌پردازد. از نظر قرآن تورات کنونی تحریف شده است. خداوند متعال در چند آیه قرآن بر تحریف تورات تأکید کرده است.<sup>۱</sup>

محتویات این کتاب که آمیخته با خرافات فراوان و نسبتهای ناروا به پیامبران و نسبت بعضی سخنان کودکانه به آنهاست گواه خوبی بر ساختگی بودن آن است و البته شواهد تاریخی نیز نشان می‌دهد که تورات اصلی از میان رفته و بعدها پیروان حضرت موسی (ع) این کتاب را براساس محفوظات خود بازنویسی کرده‌اند.

یهودیان در زمان بعثت پیامبر اسلام (ص) به طور نیمه گسترده‌ای در جزیره‌العرب حضور داشتند. آیاتی که یهودیان را خطاب می‌کند و یا مستقیم و غیرمستقیم به نحوه برخورد آنها با پیامبر (ص) و مسلمانان می‌پردازد یا سوابق آیا و اجدادشان را بیان می‌دارد - و آن شاهانه به تناسب موضوعات، آنها را بیان می‌کنیم - نشان از زندگی تنگاتنگ و پر از ماجرای یهودیان با مسلمانان دارد.

از برخوردهایی که قرآن با یهودیان بویژه در سوره‌های مدنی دارد چنین به‌دست می‌آید که حضور آنها در یشرب به مراتب زیادتر از دیگر مناطق بوده است و شهرت آنها در یشرب بیشتر به آهنگری، کارهای معدنی، کشاورزی و اسلحه‌سازی بوده است. از برخی روایات نیز استفاده می‌شود آنان از لحاظ اقتصادی وضع مطلوبی داشته‌اند و وجود مسئله ربا به صورت شایع در میان آنان با توجه به زندگی اعراب بادیه‌نشین و حتی یهودیان مناطق دیگر

نشانگر وضع اقتصادی خوب آنان بوده است. اخبار زیادی درباره آگاهی پیشین یهود، از ظهور پیامبر نقل شده است.<sup>۲</sup>

می‌دانیم منطقه جزیره‌العرب از حیث اقتصادی مناسب نیست باید دنبال علتی بود که چرا یهود چنین منطقه‌ای را برای سکونت برگزیدند و به تدریج از شام و روم و سایر مناطق به این منطقه خشک مهاجرت کردند. به عقیده بسیاری از محققان، علت آن، آگاهی از ظهور پیامبر جدید در این منطقه بوده است.

قرآن کریم در آیات زیادی اشاره دارد که اهل کتاب نسبت به پیامبر اسلام (ص) شناخت داشته‌اند همان گونه که فرزندان خود را می‌شناختند. آیات فراوانی بر روی این موضوع تأکید دارد.<sup>۳</sup> البته این تأکید حتماً بی‌دلیل نیست و نتایج قابل توجهی از آن گرفته می‌شود. این آیات که تعدادی از آنها در مدینه و رو در روی یهودیان و منافقان نازل شده، می‌تواند نشان دهد که قرآن به این مطلب از باب احتجاج و اتمام حجت اصرار داشته است. اضافه بر این، سکوت اهل کتاب و نیز قبول کردن مسلمین، خود شاهد آن است که آنان نیز نسبت به این مسئله مطمئن بودند و از میان بزرگان یهود، افرادی با اقرار به این مطلب به اسلام و پیامبر خدا (ص) ایمان آوردند. حتی در تورات تحریفی موجود چنین جمله‌ای داریم: «و این برکتی است که موسی (ع) مرد خدا، قبل از وفاتش به بنی اسرائیل داده، گفت: یهوده از سینا درآمد و از سعید بر ایشان طلوع کرد و از جبل فاران درخشان گردید». مورد اول اشاره به ظهور موسی (ع) از کوه سینا، مورد دوم ظهور عیسی (ع) از کوه سعید و مورد سوم ظهور پیامبر اسلام (ص) از کوه فاران است و در نظر جغرافی‌دانانی چون یاقوت حموی، مسلم است که جبل فاران، کوههای اطراف مکه است. تورات، خود نیز محل فاران را مشخص می‌کند. زیرا در بخشی از تورات محل سکونت ابراهیم (ع) و اسماعیل (ع) فاران نامیده شده

نشانگر  
نشانگر



تعالیم خدا، بی بهره بودن از هدایت الهی و - برخی از مهمترین اعمال یهود نسبت به اسلام و مسلمانان نیز به شرح زیر است:  
محاصره اقتصادی، فتنه انگیزی، شبهه افکنی در صفوف مسلمانان، تجسس درباره مسلمانان، همراهی بی دریغ و همه جانبه مالی و نظامی با دشمنان پیامبر در جنگها و ...

### ■ نژادپرستی یهود

چرا عده‌ای از آدمیان تحت عنوان یهودی صهیونیست تا این حد جنون آمیز در پی جمع مال و ذخیره ثروت و در سودای تحقق آرزوی حکومت بر جهان اند؟ چرا برای رسیدن به این مقصود از هیچ چنابیتی روی گردان نیستند؟! چگونه می‌توان پذیرفت کسانی با بکارگیری علم و تکنولوژی و سیاست فقط یک هدف در سر می‌بروند و آن هم به زیر سلطه آوردن تمامی انسانهاست؟ دلیل این حرکت و رفتار صهیونیستها یک اعتقاد عمیق و لزوما نادرست است که آن اعتقاد به برتری نژادی و برگزیدگی قومی است. آنان از اعماق جان خویش معتقدند که از غیر یهود بالاتر و برتر و ارزشمندترند و آنان باید صاحب همه ثروتها باشند، همه قدرت‌ها و مکتبها به آنها اختصاص یابد و رهبری و هدایت جهان و حکومت بر آن مخصوص آنان باشد و به همین سبب نیز، همه تلاش و نیروی خویش را صرف به ظهور رساندن این اعتقاد موهوم خود می‌کنند و در این راه از هیچ کاری هم ابا ندارند.

به عقیده متفکران برجسته صهیونیست، آنان خالص‌ترین نژاد جهان به شمار می‌روند. آنان حیوانات و نباتات را نیز به یهودی و غیر یهودی تقسیم می‌کنند. در بین آنان ازدواج از دو دین متفاوت ممنوع است. علت عدم گسترش کمی یهود در جهان با آنکه دین جهانی است، آن است که هیچ کس را از دین دیگری نمی‌پذیرند چون بقیه نژادها پست هستند و فقط یهودی زاده می‌تواند یهودی باشد. به عقیده آنان، حیوانات یهودیان از انسانهای غیر یهودی با ارزش‌ترند. در حالی که قطعنامه سال ۱۹۷۰ سازمان ملل، صهیونیزم را به عنوان یک شکل تبعیض نژادی و نژادپرستی محکوم می‌کند این اعتقاد، خلق الساعه و ابتکاری و محصول قرن نوزده و بیست نیست، باوری است که از ابتدا در تربیت کودکان خود به آن توجه دارند و برای این موضوع، از تورات و تلمود و دیگر آثار یاستانی و سنتی خویش دلائلی ارائه می‌دهند و مدعی هستند آن را

با پیامبر خود و سنت او و جانشینان او راهی را بروند که یهودیان رفتند والا همان عذاب و عقاب برای اینها هم خواهد بود. خداوند متعال در این آیات متعدد فقط شرح حال عده‌ای یهودی همجوار با مدینه را نمی‌گوید. اینها ویژگیهای همیشگی و ثابت یهودیان از زمان موسی(ع) تا زمان امروزی ماست. عینا همان روحیات در صهیونیست‌های یهودی معاصر ما تکرار می‌شود و گویی حرکات صهیونیست‌هاست که در آیات قرآن بیان شده است. اگر به دقت بنگریم بسیاری از ویژگیهایی که قرآن به قوم یهود نسبت می‌دهد را در جهان امروز به صورت مکاتب گوناگون فکری، فلسفی، سیاسی و اقتصادی مشاهده می‌کنیم که در قالب نظامهای حکومتی و نهادها و سازمانهای بین‌المللی استقرار یافته است. از پس سیمای کنونی جهان، خطوط اصلی چهره یهود را می‌توان دید. حتی اگر نقاب حقوق بشر و نظم نوین جهانی را بر چهره داشته باشد. در این نوشتار برآنیم که در دو بخش: «ویژگیها و روحیات و عقاید یهود» و «اعمال یهود نسبت به اسلام و رسول اکرم(ص)» را البته با طرح و بررسی آیات قرآن، بررسی کنیم.

برخی از مهمترین ویژگیها، رفتارها و حالاتی که قرآن به یهودیان منتسب می‌کند عبارت‌اند از:  
نژادپرستی، خود برتر بینی و خود را ملت برگزیده دانستن، اصالت ماده و حس در نظر آنان و تسلیم فکری و عقلی و اخلاقی در برابر این دو، دشمن‌ترین گروهها با مؤمنان، پیمان شکنی، خیانت و تجاوز به حقوق مردم و حدود الهی، تحریف کتاب خدا، دنیاگرایی، مال‌اندوزی و دل بستگی فوق‌العاده به لذایذ دنیوی و عدم اعتقاد حقیقی به سرای آخرت، کشتن انبیا و صالحان و تکذیب رسالت انبیا، کفران شدید نعمتهای الهی، مرگ گریزی و فرار شدید از مرگ، ترک امر به معروف و نهی از منکر، سخت‌سری و سنگدلی و قساوت قلبی یهود، ابراز علاقه و گرایش به بت پرستی، ترسو بودن، جنگ افزوزی و تفرقه افکنی، پنهان کردن

است. یهود با این که خود به علت این آگاهی، به این سرزمین هجرت کرده بود لیکن چون فهمیدند پیامبر جدید از بنی اسرائیل نیست به او ایمان نیاوردند؟ گرچه برخی از آنان به ظاهر، همانند کعب‌الاحبار به اسلام ایمان آوردند.

عدم گسترش یهود در میان مردم عرب علت متفاوتی داشت. اولاً نژادپرستی آنان بود که حاضر نبودند دیگران در مذهب آنان داخل شوند و مفضلاً به این ویژگی تاریخی یهود و نشانه‌های آن در قرآن خواهیم پرداخت. ثانیاً آنها از لحاظ فکری و عملی آن اندازه قوی نبودند تا جاذبه‌ای در میان مردم برای پیوستن به خود ایجاد کنند. از نکات جالب آن است که یهودیان از فراگیر شدن اسلام و تشکیل حکومت اسلامی به وسیله پیامبر خدا(ص) اطلاع داشتند و اسلام آوردن عده‌ای از آنان و قرار گرفتن ریاکارانه و منافقانه در کنار پیامبر(ص) و همراهی تا جایی که جانشان به خطر نیفتد براساس پیشگویی خود یهودیان بوده است. چرا که این منافقان یهودی تبار، به طمع به چنگ آوردن حکومت و قدرت، اسلام ظاهری آوردند و بعد از رحلت پیامبر(ص) آن قصایای دردناک را پیش آوردند و آنچه نباید می‌شد، شد.

ابتدای بحث، موضوعی آمد که اوصاف و شیوه‌های رفتاری یهود چگونه بود که این همه درباره آن تذکر داده شده است. مرحوم علامه طباطبایی درباره علت کثرت اشاره قرآن به یهود و بنی اسرائیل در آیات متعدد، می‌فرمایند: «بنی اسرائیل از تمام امتهای لجوج‌تر و کینه‌توزتر بودند و در برابر حق، سرکشی بیشتری داشتند؛ چنانکه کفار عرب که پیامبر اسلام(ص) مبتلا به آنها بود نیز دارای چنین اوصافی بودند. خصایص و ویژگیهای قوم یهود در نظر قرآن در ردیف بدترین و زشت‌ترین رفتاری است که ممکن است انسان و قومی در زندگی دنیایی خویش داشته باشد».

تعدد آیات می‌تواند تذکری به همه مسلمانان در همه اعصار باشد. مسلمانان نباید در برخورد

از قرنهای دوره در فرهنگ و اعتقادات خویش داشته‌اند. یهودیان، خود را مقرب‌ترین افراد به خدا می‌دانند و به آن اعتقاد و غرور دارند. می‌گویند: هیچ ملتی چون یهود از نعمات آسمانی بهره‌مند نبوده است. قومی بسته با تصور امتیازات ویژه و منحصر به فرد که به پیروانش جرات تجاوز بر دیگران داده است و اینکه دارای چنین فضیلتی باشند، در نزد آنان گناهان بی‌اهمیت تلقی می‌شود.

در این نوشتار مجال بازگویی عقاید نژادپرستانه یهود نیست و الا باید کتابها در این زمینه نوشت. قرآن کریم این عقیده و روحیه را بیان کرده و به شدت به چالش می‌کشد و با جملاتی در قالب سؤالاتی به شکل مفید نفی، آنان را منکوب می‌کند.

#### «یهود دوستان خدا»

طبق آیه ششم سوره جمعه یهود خود را دوستان خدا می‌دانند: «قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»: «بگو ای یهودیان اگر گمان می‌کنید که فقط شما دوستان خدا نیستید نه سایر مردم، پس آرزوی مرگ کنید [تا به نقای محبوبتان برسید] اگر راست می‌گویید. [یعنی همین قدر که از مرگ وحشت دارید دلیل آن است که در ادعای خود صادق نیستید].»

در آیه ۱۸ سوره مائده نیز آمده است: «قَالَ لِلْيَهُودِ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرُ

لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ»: «یهود و نصاری گفتند ما فرزندان خدا و دوستان اویم پس بگو: چرا شما را در برابر گناهانتان مجازات می‌کند؟! بلکه شما هم بشری هستید از مخلوقات که آفریده، هر که را بخواهد او شایسته بداند] می‌آمزد و هر که را بخواهد و مستحق بداند مجازات می‌کند». چه پاسخ دندان شکن و کاملی!!

در روایات اسلامی در حدیثی از ابن عباس می‌خوانیم: پیامبر(ص) جمعی از یهود را به دین اسلام دعوت کردند و آنها را از مجازات خدا بیم دادند. یهود گفتند: چگونه ما را از کیفر خدا می‌ترسانی در حالی که ما فرزندان خداییم و دوستان او. همچنین در تفسیر «مجمع‌البیان» در ذیل آیه مورد بحث، حدیثی شبیه حدیث مزبور نقل شده که جمعی از یهود در برابر تهدید پیامبر به مجازات الهی گفتند که ما را تهدید نکن ما فرزندان خدا و دوستان او هستیم اگر خدا بر ما خشم کند همانند خشمی است که انسان نسبت به فرزند خود دارد و بزودی این خشم فرو می‌نشیند.

قرآن کریم با این امتیازات موهوم، مبارزه می‌کند و امتیاز هر کسی را در ایمان و عمل صالح می‌شمارد و مجازات آنها نشانه بی‌اساس بودن ادعای آنهاست. در دیدگاه قرآن هیچ‌کس بر دیگری برتری ندارد، مگر به تقوی. در سوره مبارکه حجرات آیه ۱۳ می‌خوانیم: «إِنْ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَنْتَأَكَّمْ». همچنین قرآن کریم در آیه ۱۱۰ سوره آل

عمران بهترین ملت را چنین معرفی می‌کند: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِمَّنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ»: «شما بهترین امتی بودید که به سود انسانها خارج شده‌اید امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید و اگر اهل کتاب آیه دین اسلام] ایمان بیاورند برای آنان بهتر است ولی تنها عده کمی از آنها با ایمانند و بیشتر آنها فاسقند».

براساس این امتیازطلبی، یهود معتقد بوده‌اند و هستند که فقط چند روز مجازات خواهند شد و سپس بهشت الهی تا ابد در اختیار آنهاست. قرآن کریم به این گفته بی‌اساس که سرچشمه انحراف می‌شود و غرور می‌آورد پاسخ داده است:

«وَقَالُوا لَنْ نَمَسَّنَا النَّارَ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَةً قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَنْ يُخْلَفَ اللَّهُ عَهْدَهُ أَمْ تَقُولُونَ عَلَيَّ اللَّهُ مَا لَا تَعْلَمُونَ بَلَى مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (بقره/۸۰ و ۸۱):

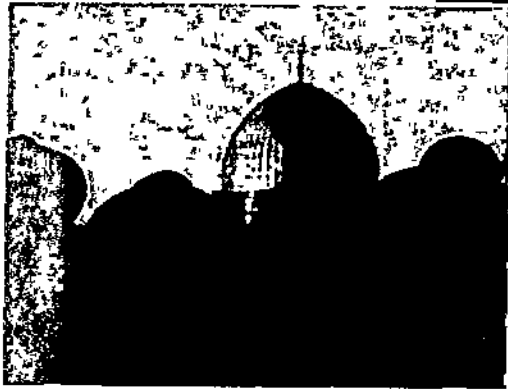
«می‌گفتند: آتش دوزخ جز چند روزی به ما نخواهد رسید. بگو آیا پیمانی از خدا گرفته‌اید. پس خداوند هرگز از پیمانش تخلف نمی‌ورزد یا چیزی را که نمی‌دانید به خدا نسبت می‌دهید. آری کسی که بدی به دست آورد و خطاهایش او را در میان گیرد، اهل آتش است و در آن ماندگار خواهد شد».

آیه ۸۰ با یک بیان منطقی این پندار غلط را که تبصره‌ای کلی به سود یهود بر قانون مجازات کلی زده شده است، ابطال می‌کند. می‌گوید این گفتار شما از دو حالت خارج نیست: یا باید عهد و پیمان خاصی از خدا در این زمینه گرفته باشید که نگرفته‌اید و یا دروغ و تهمت به خدا می‌بندید.

این قوم مغرور، امتیاز نژادی را حتی در آخرت برای خود قائل هستند چه برسد به دنیا. چنانکه خداوند در آیه ۹۴ و ۹۵ و ۹۶ سوره بقره با استدلال دیگری این عقیده را نفی و بایکوت می‌کند:

«قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِمَّنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ وَلَنْ يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْتُمْ إِلَيْهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِإِلْفَالِ الْمِينِ»: «بگو اگر آن چنان که مدعی هستید] سرای دیگر در نزد خدا مخصوص شماست نه سایر مردم، پس آرزوی مرگ کنید اگر راست می‌گویید ولی آنها هرگز به خاطر





رحمت او بر ترستدگانش عظیم است چنان که پدر بر فرزندان خود رؤف است ...»

اما روح حاکم بر قرآن با این جملات منافات دارد. در قرآن صفات جمال و جلال خدا در کنار هم آمده و هر جا سخن از بهشت است ذکری از جهنم می‌شود. حالت بین خوف و رجا در قرآن موج می‌زند و هر چند رحمت خدا بر غضب او سبقت دارد اما صفات خدا در کنار هم آمده است؛ اگر رحمان است منتقم نیز هست، عذاب هم می‌کند و بر گناهکاران و کافران و منافقان خشم می‌گیرد.

یکی دیگر از اعتقادات یهود، نجات دسته‌جمعی و جاودانی آنان است. این عقیده نیز اندیشه‌ای گمراه‌کننده بوده که موجب گناهان و انحرافات اخلاقی و زشت‌کاری بین یهود شده است. خداوند این اندیشه را مورد تعرض قرار داده و در آیه ۱۶۹ سوره مبارکه اعراف می‌فرماید: «فَخَلَفَ مِنْ بَٰدِئِهِمْ خَلْفًا وَرَوَّأَ الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا الْأَدْنَىٰ وَيَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا وَإِنْ يَأْتِهِمْ عَرَضٌ مِّثْلَهُ يَأْخُذُوهُ أَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِمْ مِثَاقُ الْكِتَابِ أَنْ لَا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ وَدَرَسُوا مَا فِيهِ:» «بعد از آنان (یهود) جانشینانی وارث کتاب شدند که متاع پست دنیا را می‌گیرند و می‌گویند: همه ما بخشیده خواهیم شد. اگر متاعی باز به ایشان برسد باز آن را می‌گیرند. آیا از آنان پیمان کتاب آسمانی گرفته نشده که نسبت به خدا جز به حق سخن نگویند، با این که آنچه را در آن کتاب است آموخته‌اند؟» به همین تعداد آیات کفایت می‌کنیم چرا که مختصراً مسئله روشن شد و بیان محکم قرآن را آوردیم. در شماره‌های بعد به دیگر ویژگی‌های روحی و اخلاقی یهود خواهیم پرداخت.

پی‌نوشتها:

- ۱- رک به آیات ۶۴ سوره نساء و ۱۴ و ۱۵ و ۴۵ سوره مائده
- ۲- رک به: ترجمه المیزان، ح ۱، صص ۲۳۴-۲۳۷.
- ۳- رک به آیات ۲۰ و ۱۱۴ سوره انعام، ۵۲ سوره قصص، ۸۹ و ۱۰۱ و ۱۴۶ سوره بقره، ۸۲ و ۱۷۸ و ۱۸۸ سوره آل عمران و ۱۵۷ سوره اعراف
- ۴- رک به: ترجمه المیزان، ح ۱، ص ۲۳۷ به نقل از تفسیر الدر المنثور سیوطی.

۵) هیچ گونه خویشاوندی میان یهود و غیریهود نیست زیرا آنها به خرها شبیه‌ترند تا انسانها. خانه‌های غیریهود به منزله طویله حیوانات است. غیریهود خوکهای نجسی هستند که برای خدمت به یهودیان آفریده شده‌اند.

۶) افراد صالح غیریهودی را بکش و بر یهودی حرام است که غیریهودی را از مرگ و یا چاهی که افتاده نجات دهد بلکه باید جلوی آن را با سنگ بگیرد.

۷) بر اسرائیلیها کشتن و غضب کردن و دزدی نمودن مال غیراسرائیلی جایز، بلکه واجب است.

۸) املاک غیریهود، حکم مال متروک دارد و یهودی حق دارد آن را تملک کند.

۹) خداوند می‌دانسته ما دو نوع حیوان نیاز داریم یک نوع حیوان لال مانند چهارپایان و پرندگان و یک نوع، حیوان گویا و ناطق مثل مسلمانان و مسیحیها و بوداییها و سایر ملل شرق و غرب.

در تفاسیر آمده که مسلمانان و اهل کتاب هر کدام بر دیگری افتخار می‌کردند، اهل کتاب می‌گفتند: «پیامبر ما پیش از پیامبر شما بوده و کتاب ما از کتاب شما با سابقه‌تر است». مسلمانان هم می‌گفتند: «پیامبر ما پیامبر خاتم و کتابش کامل‌ترین کتاب آسمانی است. پس ما بر شما امتیاز داریم». طبق روایت دیگری یهود می‌گفتند: «ما ملت برگزیده‌ایم و آتش دوزخ جز روزهای معدودی به ما نخواهد رسید و مسلمانان می‌گفتند «ما بهترین امتهای هستیم چون خداوند فرموده: «کتم خیر امه» در بطلان ادعاهای مزبور، آیه ۱۲۳ سوره مبارکه نساء نازل شد:

«لَيْسَ بِأَمَانِيكُمْ وَلَا أَمَانِي أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ يَفْعَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا:» «افضیلت و برتری! به آرزوهای شما و آرزوهای اهل کتاب نیست. هرکس بد کند کیفر داده می‌شود و جز خدا ولی و یآوری برای خود نخواهد یافت.»

در بخشی از تورات می‌خوانیم: «ارتداد ایشان [بنی اسرائیل] را شفا داده و ایشان را مجانا دوست دارم زیرا خشم من از ایشان برگشته است. برای اسرائیل مثل شبنم خواهم بود و او مانند سوسنها گل خواهد کرد...».

و یا می‌خوانیم «خداوند رحمان و کریم است دیرغضب و بسیاررحیم تا به ابد محاکمه نخواهد بود و خشم را همیشه نگاه خواهد داشت با ما موافق گناهان عمل ننموده و به ما حسب خطایای ما جزا نداده است زیرا آن قدر که آسمان از زمین بلندتر است، به همان قدر

اعمال پدی که از پیش خود فرستاده‌اند آرزوی مردن نخواهند کرد و خداوند بر ستمگران آگاه است.»

یهود با گفتن این سخنان که بهشت مخصوص ماست یا چند روزی بیش در آتش نمی‌سوزیم، جدای آنکه روحیه خودبرتربینی خود را به رخ می‌کشیدند، می‌خواستند مسلمانان را نسبت به اسلام بدبین و دلسرد کنند ولی قرآن پرده از روی دروغ و تزویر آنها بر می‌دارد. آنها هرگز حاضر به ترک دنیا نیستند و این خود دلیل محکمی بر ادعای کذب آنهاست. راستی اگر انسانی چنین ایمانی داشته باشد که عذاب نمی‌شود و بهشت مال اوست چرا این قدر به زندگی دنیا دل ببندد؟! در آیه بعد قرآن ادامه می‌دهد: «وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَىٰ حَيَاةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَنْ أُخَذَ مِنْهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُرَّزَحٍ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ:» آنها را حریص‌ترین مردم، حتی حریص‌تر از مشرکان بر زندگی (این دنیا و اندوختن ثروت) خواهی یافت (تا آن جا) که هر یک از آنها دوست دارد هزار سال عمر کند در حالی که این عمر طولانی، او را از عذاب خدا باز نخواهد داشت و خداوند به اعمال آنها بیناست.»

بی‌شک سرچشمه بسیاری از جنگها و خونریزیهای در طول تاریخ بشر برتری‌جویی نژادی بوده است. تشکیل کشور اسرائیل نیز بر مبنای همین تفکر است. اصولاً نژادپرستی شعبه‌ای از شرک است و اسلام با آن مخالف مطلق است. در تلمود - که شرح تورات است و مهمترین کتاب آداب و تعالیم یهود به شمار می‌رود - برخی از عقاید منحط و برتری‌جوییهای این نژاد خودپرست چنین آمده است:

۱) امتیاز ارواح یهود از غیریهود به این است که ارواح یهود جزئی از خداست. ارواح غیریهود ارواح شیطانی و شبیه حیوانات است. نطفه غیریهودی مانند نطفه دیگر حیوانات است.

۲) بر فرد یهودی لازم است تمام گوشش خود را مصروف جلوگیری از حیات و پیشرفت دیگر ملتها نماید تا قدرت مطلقه تنها برای آنها باشد.

۳) هرگاه غیریهودی، یهودی را بزند مثل اینکه عزت الهی را زده و مستحق مرگ است. اگر یهودی آفریده نشده بود، برکت از زمین می‌رفت و خورشید نمی‌تابید و باران نمی‌بارید.

۴) ملت‌های دیگر مانند سگ هستند. اعیاد مقدسه برای سگها نیست. سگ از غیریهودی بالاتر است.